

## تبیین مقام اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام با تکیه بر آیات و روایات\*

[سید علی احمدی فروشانی]

### چکیده

بر اساس آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام و روایات مشترک بین شیعه و اهل سنت، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خداوند به مقام «اصطفاء» نائل شده و با این مقام معرفی شده‌اند. این معرفی از جانب خدا، گاه در قرآن - مثل آیات «مباهله»، «تطهیر»، «اصطفاء حضرت مریم» و «وراثت کتاب» و سوره‌های «کوثر» و «انسان» - صورت گرفته و گاه از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله - در قالب احادیثی همچون «ثقلین»، «سفینه»، «رضا و غضب حضرت زهرا علیها السلام» و «بضعة منی» - بوده است. آیات و روایات، همه گویای این مطلب‌اند که اهل بیت علیهم السلام، از جمله حضرت زهرا علیها السلام، برگزیده خداوند و مصطفای اویند. این موضوع از جهت بیان جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در عالم وجود و برگزیدگی وی از سوی پروردگار در برابر همسران و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر زنان عصر خویش، اهمیت آشکاری دارد.

**کلیدواژه‌ها:** حضرت زهرا علیها السلام، اصطفاء، علم، عصمت، حجیت، افضلیت.

\* تاریخ دریافت مقاله: (۹۷/۰۹/۲۷)، تاریخ پذیرش: (۹۷/۱۱/۳۰).

(لازم به ذکر است به دلیل تأخیر در انتشار این دوفصلنامه، تاریخ‌های دریافت و پذیرش مقالات، با تاریخ درج شده بر روی جلد همخوانی ندارد).

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، مدیر گروه علمی مرکز تخصصی تبلیغ:

saahmadi110@yahoo.com

## مقدمه

در قرآن و روایات بیان شده است که در میان مردم، برخی از افراد به مقام اصطفاء رسیده‌اند؛ بیشتر آنها پیامبران عليه السلام می‌باشند، گرچه در میان آنها، غیر از پیامبران عليه السلام نیز دیده می‌شوند. اصطفاء رتبه‌ و الایی است که هر کسی به آن نمی‌رسد و خود این مقام نیز، دارای رتبه‌هایی متعددی است. در تبیین معنای اصطفاء، کتاب‌ها و نوشته‌هایی همچون پایان‌نامه «شبکه معنایی برگزیدگی در قرآن کریم»<sup>۱</sup> و مقاله «مفهوم و ملاک اصطفاء»<sup>۲</sup> و «واکاوی ترجمه و مفهوم واژه اصطفاء با رویکرد معنای مشترک و درجات معنا»<sup>۳</sup> به نگارش درآمده است.

از آن رو که این نوشتار در پی کشف مفهوم اصطفاء نیست، تنها اشاره‌ای گذرا به آن می‌کند. این پژوهش بر آن است که بر اساس آیات و روایات رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، اصطفاء حضرت زهرا عليها السلام را تبیین کرده و به اثبات برساند که اصطفاء ایشان، برترین رتبه اصطفاء الهی است. درباره این موضوع، کتب متعددی همچون مقامات فاطمة الزهراء في الكتاب والسنة،<sup>۴</sup> ام مقامات فاطمة الزهراء<sup>۵</sup> والوراثة الاصفائية لفاطمة الزهراء<sup>۶</sup> و مقاله «وراثت اصفائى مقامات الهى»<sup>۷</sup> به نگارش درآمده است. آن‌چه این نوشتار را ممتاز می‌کند، توجه به آیات و روایات مورد اتفاق شیعه و اهل سنت همچون آیه مباهله و سوره دهر و حدیث «بضعة منی» است که سایر کتب و مقالات، از آن غافل بوده‌اند. با این وصف می‌تواند روی سخن این مقاله، با اهل

۱. کریمی ریزی، زهرا، «شبکه معنایی برگزیدگی در قرآن کریم»، استاد راهنما: دکتر مهدی مطیع، استاد مشاور: دکتر محمد رضا حاجی اسماعیلی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۲. سلطانی و لاسجردی، هنگامه، «مفهوم و ملاک اصطفاء»، بینات، شماره ۷۳.

۳. خداشناس فیروزآبادی، ندا و عرب زاده، الهه و رستمی، محمد حسن، «واکاوی ترجمه و مفهوم واژه اصطفاء با رویکرد معنای مشترک و درجات معنا»، پژوهش دینی، شماره ۲۶، ۱۳۹۲ ش.

۴. حلوی، محمد علی، مقامات فاطمة الزهراء في الكتاب والسنة.

۵. عالی، حسن، ام مقامات فاطمة الزهراء في الكتاب والسنة.

۶. موسوی تبریزی، محمد صالح، الوراثة الاصفائية لفاطمة الزهراء.

۷. انصاری، محمد فرید، «وراثت اصفائى مقامات الهى»، امامت پژوهی، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.

سنت باشد و در صورتی که از روی انصاف بنگرند، نتیجه این نوشتار، برای آنان قابل پذیرش خواهد بود. در ادامه، ابتدا به صورت اجمالی، مفهوم واژه اصطفاء بررسی می‌گردد و سپس به آیات و روایات مربوطه، اشاره می‌شود.

## ۱- بررسی مقام اصطفاء

اصطفاء از ماده «ص ف و»، به معنای زلال و خالص بوده<sup>۱</sup> و هنگامی که به باب «افتعال» برود، به معنای خالص گرداندن و زلال کردن می‌آید. راغب به این نکته اشاره کرده که واژه «خ ل ص» را آن‌گاه به کار می‌برند که ناخالصی‌های شیء، از آن جدا شود، ولی واژه «ص ف و»، علاوه بر کاربرد مذکور، در جایی استعمال می‌شود که از ابتدا، هیچ ناخالصی‌ای نداشته است.<sup>۲</sup> گفتنی است که اصطفاء، گرچه به معنایی که راغب گفته می‌آید، ولی باید توجه داشت که اگر نشان از اصطفاء نفسی داشته باشد، بدون لفظ «علی» به کار می‌رود و اگر با حرف «علی» متعدی شده، دلالت بر برتری فرد بر سایر افراد دارد.<sup>۳</sup>

با این توضیح می‌توان گفت که مقام اصطفاء، برگزیدگی و برتری دادن از سوی پروردگار بوده و نشان از تسلیم محض و عبودیت خالص است.<sup>۴</sup> تحقق این مقام با لوازمی مانند علم و عصمت همراه است که با شناخت آنها، می‌توان به آن مقام پی برد.<sup>۵</sup> شایان ذکر است که منشأ مقام اصطفاء که همان تقدم در ایمان آوردن است، در این دنیا خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در عوالم گذشته نیز دارد.<sup>۶</sup>

## ۲- اصطفاء حضرت زهرا (علیها السلام) در قرآن

در قرآن آیاتی درباره اصطفاء آمده که برخی از آنها مربوط به پیامبران الهی (علیهم السلام)

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۱۶۲/۷.
۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۲۹۲.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ۱۰۱/۱۴ - ۱۰۲.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۳۰۰/۱.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۳۰۹/۱۹ - ۳۱۰.
۶. کاشانی، فتح‌الله، منهج الصادقین، ۴۱۱/۷.

است. اصطفاء در قرآن، گاهی به همان لفظ اصطفاء<sup>۱</sup> و گاهی با الفاظی مانند اجتناب<sup>۲</sup>، اختیار<sup>۳</sup> و اصطناع<sup>۴</sup> که از لحاظ معنایی، به مفهوم اصطفاء نزدیک است، و گاهی با مقاماتی مانند امامت<sup>۵</sup>، نبوت<sup>۶</sup>، خلافت<sup>۷</sup> و سیادت<sup>۸</sup> که لازمه آنها، اصطفاء است و گاهی با جمله‌ای که مفهوم آن، اصطفاء است<sup>۹</sup>، بیان شده است.

این نوشتار در پی آیاتی است که دلالت بر اصطفاء حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ دارند. در قرآن، بر اصطفاء و برگزیدگی برخی افراد تصریح نشده است، ولی از لوازم و قرآنی به دست می‌آید که آنان برگزیده الهی هستند؛ از آن جمله، اهل بیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به ویژه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ هستند. آیاتی از قرآن گویای این است که اهل بیت، به درجه بالایی اصطفاء رسیده‌اند؛ در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## ۲-۱- آیه مباهله<sup>۱۰</sup>

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ  
أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ  
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

به نظر دانشمندان شیعه و اهل سنت، این آیه درباره اهل بیت، و مخصوص آنان

۱. حج: ۷۵؛ آل عمران: ۳۳؛ آل عمران: ۴۲؛ اعراف: ۱۴۴؛ ص: ۴۷؛ نمل: ۵۹؛ فاطر: ۳۲.

۲. آل عمران: ۱۷۹؛ یوسف: ۶.

۳. طه: ۱۳.

۴. طه: ۴۱.

۵. بقره: ۱۲۴.

۶. آل عمران: ۳۹؛ صافات: ۱۱۲.

۷. بقره: ۳۰.

۸. مفهوم سیادت از آیه ۸۱ آل عمران برداشت می‌شود؛ اضافه بر این که در روایات به «سید الانبیاء»، «سید الاوصیاء»، «سیده نساء العالمین» و «سیدی شباب اهل الجنة» تصریح شده است.

۹. احزاب: ۳۳؛ هم چنین «علی مع الحق و الحق مع علی».

۱۰. آل عمران: ۶۱.

نازل شده است.<sup>۱</sup> امتیاز این آیه بر آیات دیگر این است که درباره دیگر آیات، مانند آیه تطهیر، دیگران نیز ادعاهایی مطرح کرده‌اند، ولی درباره این آیه، هیچ‌کس ادعایی ندارد و همه بر اختصاص این آیه به اهل بیت علیهم‌السلام، اتفاق نظر دارند.

بخش مهم دلالت این آیه، مفهوم التزامی آن بر اصفاء است. همان‌طور که از واژه «نبتهل» پیدا است، شأن نزول آیه، داستان مباحله رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نصاری نجران است. از آن‌جا که استدلال‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آنان سودی نداشت، به مباحله تن دادند. مباحله از ریشه «ب ه ل» به معنای لعن و نفرین<sup>۲</sup>، و در اصطلاح به نفرین دو گروه بر هم گفته می‌شود؛ هر دو گروه، از خدای قهار می‌خواهند که دیگری را، در صورت دروغ‌گوبودن، نابود سازد.<sup>۳</sup> یقیناً ماجرای مباحله، از مهم‌ترین لحظات زندگی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛ چراکه نبوت و رسالت ایشان، در گرو این ماجرا قرار گرفت. هر فردی در چنین وضعیتی، بین دورا مه‌خیر خواهد بود؛ یکم؛ عزیزان و نزدیکان خویش را از این معرکه دور سازد، تا گزندى به آنان نرسد و دوم؛ افرادی که نزد خداوند، دارای قرب و منزلت بیشتر هستند و استجاب دعاى آنان، یقینى تراست را نزد خود فرا خواند، تا این مباحله به سرانجام رسد.

در روز موعود، همه با حیرت دیدند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دست دختر و داماد و نوه‌های خویش را گرفته و به صحنه مباحله می‌رود. بنابراین می‌توان گفت که آنها، نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند و استجاب دعایشان یقینی‌تر بود. از سوی دیگر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اندازه‌ای خود را موفق می‌دید و به پیروزی خود

۱. منابع اهل تسنن: نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، ص ۱۰۴۲، ح ۳۲، کتاب الفضائل، باب فضائل علی بن ابی طالب علیه‌السلام؛ ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح، ۲۲۵/۵؛ واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، ص ۹۰-۹۱؛ نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ۱۵۰/۳؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۳۰۰/۳-۳۰۱؛ سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ۲۳۱/۲-۲۳۳؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱۸۵/۱؛ برخی از منابع شیعه: عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۱۷۵/۱-۱۷۷، احادیث ۴۴ و ۴۷ و ۵۴ و ۵۹؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۸۵-۹۰، ح ۶۱؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۳۰۷، ح ۶۱۶.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۵۴/۴.

۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة، ۱۶۷/۱.

اطمینان داشت، که عزیزان خویش و فرزندان خود را به این میدان آورد و هیچ وحشتی از این کار نداشت.

این قضیه، به خوبی این نکته را می‌رساند که رسول خدا ﷺ، با توجه به اطمینان به استجاب دعاى آنان و قرب و منزلت آنان نزد پروردگار، آنها را با خود آورد و به حکم دو قاعده عقلی «قبیح ترجیح مرجوح بر راجح» و «قبیح ترجیح بلامرّحح»، برتر از این افراد، و حتی مساوی با این افراد در مقام و منزلت، نزد خدا نبوده است. این مطلب، چیزی جز اصطفاء نیست؛ زیرا برای رسول خدا ﷺ، میدان مبارزه‌ای مهم‌تر از میدان مباحله نبود.

داستان مباحله، میدان مبارزه با تفکر کفرآمیز و نفوذ شرک و نفاق بود و موقعیت مناسبی برای دشمنان بود تا با شکست رسول خدا، آبروی اسلام را ببرند. حضور حضرت زهرا علیها السلام در کنار رسول خدا و امیرمؤمنان و امام حسن و امام حسین علیهم السلام در این میدان، نشان از منزلت او نزد خدا دارد و حاکی از این است که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف رسولان است، کسی به پایهٔ اینان نمی‌رسد؛ با این وصف، حضرت زهرا علیها السلام برای این مقام و منزلت، برگزیده و انتخاب شده بود و این، حاکی از اصطفاء ایشان است.

صحنهٔ حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در ماجرای نجران، صحنهٔ پر معنایی است. طبق نقل رسیده، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست امام حسن علیه السلام را به دست، و امام حسین علیه السلام را در آغوش گرفته بود، حضرت زهرا علیها السلام نیز پشت سر ایشان و امیرمؤمنان علیه السلام پشت سر حضرت زهرا علیها السلام بودند.<sup>۱</sup> این شکل حضور که منطبق بر ارادهٔ رسول خدا بوده، به پشتوانهٔ وحیانی بودن افعال رسول خدا، مشابهت زیادی با کیفیت معرفی شدن اهل بیت در زیر کساء دارد؛ آن جا که خداوند برای فرشتگان، افراد زیر کساء را معرفی کرده و می‌فرماید: «هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها».<sup>۲</sup>

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۳/ ۳۷۰؛ ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ۵۱۳/۱؛ همو، الطرائف، ۴۲/۱ و ۴۵.

۲. دیلمی، حسن، غرر الاخبار، ص ۲۹۸؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفؤاد، ص ۱۵۵؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ۱۱/ ۹۳۳.

با نگاهی به هردو نقل، به نظر می‌رسد که محوریت در هردو، حضرت زهرا علیها السلام است؛ جایگاه حضور ایشان، در شأن نزول آیه مباهله، محور اهل بیت علیهم السلام، و در شأن نزول آیه تطهیر، محور معرفی اهل بیت علیهم السلام است و از آن جا که یکی فعل و حیانی و دیگری قول و حیانی است، می‌توان هردو را به یک معنا حمل کرد و فعل رسول خدا صلی الله علیه و آله را، عینیت بخشیدن به آن قول و حیانی دانست. بدیهی است که وقتی اصطفاء شخصیت‌هایی مانند رسول خدا، امیرمؤمنان، امام حسن و امام حسین علیهم السلام ثابت شود - که در جای خود به اثبات رسیده است - به یقین محور آنان که حضرت زهرا علیها السلام است نیز، دارای مقام اصطفاء خواهد بود.

گفتنی است که در کتب شیعه و اهل سنت آمده که وقتی نصارای نجران این صحنه را دیدند، بلافاصله جزیه و فرمان‌پذیری از اسلام را پذیرفتند؛ زیرا بزرگشان گفت من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر لب به نفرین بگشایند، نه فقط ما، بلکه همه مسیحیان، به آتش سوزانده خواهیم شد.<sup>۱</sup> جالب این‌که طبق نقل رسیده، بزرگشان گفته بوده است که اگر محمد صلی الله علیه و آله را با یارانش دیدید، به مصاف او بروید و مباهله کنید و اگر او را با فرزندان و عزیزانش دیدید، مباهله نکنید؛ زیرا به پیروزی خویش اطمینان دارد.

## ۲-۲- آیه تطهیر<sup>۲</sup>

از دیگر آیاتی که بر اصطفاء ایشان دلالت دارد، آیه تطهیر است:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾

درباره این آیه، بحث‌های مفصلی صورت گرفته که آن مباحث، در برداشت مقام اصطفاء نقش دارد؛ بنا به اقتضاء این نوشتار، به بخشی از آن مباحث اشاره می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۸/ ۸۸ - ۸۹؛ بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل، ۴۷/۲.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. جهت مطالعه مباحث تفصیلی پیرامون آیه تطهیر، رک: احمدی فروشانی، سیدعلی،

## ۲-۲-۱- اراده تکوینی یا تشریحی

یکی از اختلاف‌هایی که بین دانشمندان رخ داده، این است که اراده الهی در آیه تطهیر، تکوینی است یا تشریحی؟ در صورتی که تشریحی باشد، آیه بدین معنا خواهد بود که خداوند قصد دارد که اهل بیت علیهم‌السلام، با اطاعت از دستوراتی که در آیات گذشته و آینده آمده است، از گناهان پاک گردند.<sup>۱</sup>

روشن است که مفاد اراده آیه، نمی‌تواند تشریحی باشد؛ زیرا این اراده الهی، منحصر در اهل بیت علیهم‌السلام نیست، بلکه خدا می‌خواهد که همه مسلمانان، پاکیزه گردند. اشکال دیگر این که بنا بر تشریحی بودن اراده، لفظ «انما» که دلالت بر حصر می‌کند، بی معنا و بیهوده است.<sup>۲</sup>

اگر اراده، تکوینی باشد لازمه این اراده، عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا خداوند، به اراده تکوینی - «كُنْ فَيَكُونُ» - خواسته که اهل بیت علیهم‌السلام، از هرزشتی و گناهی دور شده و پاکیزه گردند. با این وصف نمی‌توان افرادی را که دارای معاصی کبیره و کفرو شرک هستند، در این دایره وارد کرد. پس یقیناً اهل بیت در این آیه، شامل زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نخواهد شد. با فرض این معنا، کسانی که معصوم گردیده‌اند، با اصطفاء الهی به این مقام رسیده‌اند.

## ۲-۲-۲- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جمله اهل بیت

مطلب دیگر این که آیا کلمه «اهل البیت»، شامل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شود یا خیر؟ خطای برخی این است که «اهل البیت» را، «اهل بیت النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» معنا کرده‌اند؛<sup>۳</sup> با این معنا، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از اهل بیت خارج شده و به تبع آن، از مصادیق آیه نخواهد بود؛ زیرا اهل بیت یک شخص، غیر از خود شخص است و وقتی گفته

«بررسی آیه تطهیر در کتب فریقین»، استاد راهنما: سعید داودی، حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، مقطع سطح ۲، ۱۳۸۶ ش.

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۷/۱۲؛ قاسمی، جمال‌الدین، محاسن التأویل، ۷۰/۸.

۲. فاضل لنکرانی، محمد و اشراقی، شهاب‌الدین، اهل بیت یا چهره‌های درخشان، ص ۲۳.

۳. آلوسی، محمود، همان، ۱۱/۱۹۴.



می‌شود که اهل بیت فلانی، مقصود خانواده او و افرادی غیر از خود اوست.<sup>۱</sup> در حالی که با توجه به شأن نزول‌های آیه، جبرئیل آیه را خطاب به رسول خدا ﷺ بیان کرده و رسول خدا ﷺ خود، مصداقی از اهل بیت است. پس «اهل البیت»، نمی‌تواند خانواده پیامبر ﷺ باشد؛ با وجود این می‌توان «اهل البیت» را به «اهل بیت النبوة» معنا کرد، تا رسول خدا ﷺ نیز در آن گنجانده شود.<sup>۲</sup>

بنابراین، واژه اهل بیت نیز دلالت بر مقام اصطفاء دارد؛ از یک سو معنای واژه «اهل البیت»، اهل بیت نبوت بوده و افراد این بیت، نمی‌توانند برگزیده نباشند؛ چراکه لازمه مقام نبوت، اصطفاء بوده و هر کسی که در این بیت وارد شود نیز، باید مصطفی باشد. از سوی دیگر، رسول خدا خود در مصداق «اهل البیت» وارد می‌شود و ممکن نیست که همه مصداق این واژه، مورد اصطفاء قرار گیرند جز یک نفر؛ چون لازمه آن، استعمال این واژه در دو معنا می‌شود. زیرا واژه اهل بیت، برای عده‌ای به کار رفته که برخی مصطفای الهی بوده و برخی نبوده و نتیجه آن، استعمال لفظ برای دو معنا خواهد بود و هیچ‌کس، استعمال لفظ در اکثر از یک معنا را نپذیرفته است.

### ۲-۲-۳- عصمت مطلقه (از بدو تولد تا حین مرگ)

از جمله نکات دیگر آیه تطهیر، این است که آیا فعل «بیرید» دارای زمان حال است - چنان‌که عده‌ای از دانشمندان بر این باورند -<sup>۳</sup> یا خیر؟ در صورت حال بودن «بیرید»، عصمت اهل بیت (علیهم‌السلام) از زمان نزول آیه آغاز شده و پیش از نزول آن، هیچ‌گونه عصمتی نداشته‌اند.

این در حالی است که آیه، شامل رسول خدا ﷺ نیز می‌شود و او دارای بالاترین درجه عصمت بوده است؛ زیرا خداوند درباره او فرموده: ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾<sup>۴</sup>

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲۸/۱۱.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۵۵۸/۸؛ کاشانی، فتح‌الله، منهج الصادقین، ۲۷۴/۷.

۳. آلوسی، محمود، همان، ۲۵/۱۲.

۴. ضحی: ۳؛ «پورددگارتو، تو را رها نساخته و هرگز از تو ناراضی نبوده است».

این آیه، حکم عصمت رسول خدا ﷺ، از قبل بعثت تا حین نزول آیه را صادر می‌کند. بنابراین نمی‌توان گفت که فعل «بیرید»، دارای زمان حال است، بلکه به هیچ زمانی اشاره نمی‌کند؛ چنان‌که نظیر آن نیز در قرآن هست؛ آن‌جا که خدای والا می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛<sup>۱</sup> فعل «أراد» ماضی است و دلالت بر گذشته می‌کند، ولی امر و اراده تکوینی خداوند، نه منحصر در گذشته است و نه منحصر در آینده، بلکه بوده و هست و خواهد بود. پس به ناچار باید گفت که این فعل، بی‌زمان است.

نمونه دیگر، آیه ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ﴾<sup>۲</sup> است. آیه تطهیر نیز، نظیر همین دو آیه است؛ قرینه آن هم، حضور رسول خدا ﷺ در میان «اهل البيت» است. بنابراین می‌توان گفت اهل بیت (علیهم‌السلام)، از آغاز تولد، تحت عنایت و اراده الهی قرار گرفته و از هرگونه خطا و اشتباهی مصون‌اند. با این وصف، رسیدن به این درجه عصمت که از آغاز تولد مصون و محفوظ از گناه و خطا باشند، نوعی برگزیدگی الهی است و لازمه آن، داشتن مقام اصطفاء الهی است.

## ۲-۲-۴- آگاهی مطهران بر کتاب الهی

در این آیه خداوند، پاکیزگان را معرفی کرد و روشن ساخت که تنها گروه خاصی هستند که مصداق این آیه به شمار می‌آیند. در آیه دیگر، خدای سبحان، آنان را عالمان به کتاب الله معرفی می‌کند<sup>۳</sup> و می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾.<sup>۴</sup> این آیات، بیانگر حقیقت وجودی و مکنونی قرآن است که جز برای افراد ویژه و مقرب در نزد خدا، دست‌نیافتنی است.

۱. یس: ۸۲: «جز این نیست که امر خدا این‌گونه است که هرگاه اراده کند چیزی را، این است که به او بگوید باش پس می‌باشد».

۲. آل عمران: ۱۰۸؛ غافر: ۳۱.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۱/۱۵۶؛ طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ۱۲/۴۰۹؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۹/۱۳۸.

۴. واقعه: ۷۷-۷۹.

از آن جا که دست یافتن به حقیقت وجودی و مکنونی قرآن، نشان از مقام قرب آن افراد بوده، مطهّران همان مقرّبان نزد خدا و مصادیق آیه تطهیرند. هم چنین مقصود از واژه «لا یمسه»، مس ظاهری نیست یا دست کم، منحصر در مس و لمس ظاهری نیست؛ بلکه مفهوم آیه، نفی حقیقی مس است؛ زیرا اشاره به حقیقت مکنونی قرآن دارد که قابل مس و لمس ظاهری نیست. با توجه به این نکات، به دست می آید که مقصود از مس، علم و آگاهی به حقایق و علوم قرآن است و آن تنها در اختیار گروهی خاص است که از جمله آن افراد، حضرت زهرا علیها السلام می باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳- سوره کوثر

سوره کوثر از سوره‌هایی است که درباره آن، فراوان سخن به میان آمده است. برخی براین باورند که هیچ حدیثی دال بر ارتباط این سوره با حضرت زهرا علیها السلام صادر نشده است. به نظر می‌رسد که از قرائنی می‌توان به ارتباط این سوره با حضرت زهرا علیها السلام اطمینان پیدا کرد؛ یکی از آن قرائن، قرینه مقابله است. در این سوره، دو چیز در برابر هم قرار گرفته‌اند: یکی اعطای کوثر و دیگری اتهام ابر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. از تقابل این دو می‌توان دریافت که کوثر چیزی است که ابر بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به پایان می‌برد و توهم مشرکان در بی‌نسل بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ابطال می‌کند. از آن جا که وارد شده که عاص بن وائل، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بی‌نسل معرفی می‌کرد<sup>۲</sup> و می‌گفت که بعد از تو، فرزند پسری نیست تا راه تو را ادامه دهد، روشن می‌شود که اعطای کوثر، اعطای فرزند است. البته این معنا، با نهر بهشتی، دین و قرآن منافاتی ندارد و این معانی، می‌تواند معانی دیگر آیه و یا حتی معانی باطنی و تأویلی باشد. با این وصف روشن می‌شود که حضرت زهرا علیها السلام، مصداق کوثر است.

از این که خداوند، نسبت به حضرت زهرا علیها السلام کلمه اعطا به کار برده و در هیچ کجای

۱. طباطبایی، محمدحسین، همان، ۱۳۸/۱۹.

۲. ابن طاووس، احمد بن موسی، عین العبرة، ص ۷۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۳۱۲/۱۶. برخی روایات، گوینده این سخن را عمرو بن عاص معرفی کرده‌اند؛ رک: قمی،

علی بن ابراهیم، تفسیر، ۴۴۵/۲.

قرآن، چنین استفاده‌ای نشده و در برابر هیچ‌یک از تفضل‌های الهی به حضرت رسول ﷺ - مانند نبوت، امامت، رسالت، قرآن و علم گسترده - لفظ اعطا نیامده است، به دست می‌آید که حضرت زهرا علیها السلام، نزد پروردگار، رتبه و منزلتی والا دارد که مستحق اطلاق اعطای الهی شده است و این، نشان از برگزیدگی ایشان از جانب حق تعالی دارد. از طرفی، اعطا هنگام بخشش نعمت بزرگی که منت در میان آن نهفته است، اطلاق می‌شود. گویا خداوند، اعطای وجود حضرت زهرا علیها السلام را منتی بر رسول خدا ﷺ می‌دانسته و بدین سبب، لفظ اعطا را به کار برده است. به یقین، خدا فردی را که برگزیده خویش است با چنین عبارت پرمعنای می‌ستاید و این، نشان از عظمت مقام ایشان نزد خدا و اصطفاء ایشان دارد.

## ۲-۴- سوره انسان

راجع به نزول سوره انسان درباره امیرمؤمنان، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، هیچ‌گونه اختلافی نیست؛ به گونه‌ای که بزرگان اهل سنت، به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup> فراهایی از سوره مبارک انسان، بر اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد. در ادامه، به آن فراهها اشاره می‌شود.

### ۲-۴-۱- تضمین بهشت برای حضرت زهرا علیها السلام

﴿فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا \* وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾<sup>۲</sup>

آیات مذکور، به خوبی نشان می‌دهد که این افراد خاص (اهل بیت علیهم السلام)، اهل بهشت‌اند و از همه شرور قیامت در امان‌اند. از طرف دیگر، در این دنیا، برای هیچ کسی جز انبیا و اوصیا علیهم السلام، تضمین بهشت داده نشده است؛ زیرا دارای درجه عصمت و طهارت هستند و به مقام اصطفاء و برگزیدگی الهی رسیده‌اند.

۱. زمخشری، محمود، کشاف، ۶۷۰/۴؛ بیضاوی، عبد‌الله، انوار التنزیل، ۲۷۰/۵؛ فخر رازی،

محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۶۴۶/۳۰؛ سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، ۲۹۹/۶؛

آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۷۳/۱۵.

۲. انسان: ۱۱-۱۲.

گفتنی است که در بعضی از روایات، برای برخی از افراد، وعده بهشت داده شده است.<sup>۱</sup> این وعده معمولاً بعد از یک خصوصیت و ویژگی بیان شده که نشان از اهمیت آن ویژگی است که به سبب آن، فرد به بهشت بشارت داده شده است؛ پس تضمینی به خود شخص، به تنهایی نیست، بلکه تضمین، به سبب آن عمل است؛ برخلاف افرادی مانند انبیا و اوصیا که بدون شرط عمل خاص، بهشت برای آنان تضمین داده شده است. با این وصف می‌توان گفت حضرت زهرا علیها السلام که خود یکی از مصادیق این آیات هست، به درجهٔ اصطفاء رسیده و از برگزیدگان الهی است.

#### ۲-۴-۲- حکومت مطلقهٔ حضرت زهرا علیها السلام در قیامت و بهشت

قرینهٔ دیگر این که خدای سبحان در ادامهٔ آیات می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَرَ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾<sup>۲</sup>؛ در این آیه خداوند، جایگاه آنان را ملک کبیر (حکومت بزرگ) خوانده است. جالب است که در میان نعمت‌های بهشتی که خداوند به آنان داده، پادشاهی نیز هست و نه پادشاهی ساده، بلکه پادشاهی بزرگ. این نشان از عظمت اهل بیت علیهم السلام است که در آخرت، نه تنها خود اهل بهشت اند، بلکه در آن جا بر همهٔ اهل بهشت، حتی انبیا علیهم السلام، رسولان، شهداء و صدیقان، حکومت می‌کنند.

لازمهٔ حکومت این است که از همهٔ اهل بهشت، حتی انبیا و اولیا بالاتر باشند؛ زیرا برتری در آن دنیا، به ملاکات معنوی است نه به ملاکات دنیوی. برتری و حکومت در دنیا، ملاکات مختلفی مانند قدرت و ثروت دارد که هیچ‌یک، ارزش معنوی ندارد؛ ولی حکومت در قیامت و در بهشت، به ملاکات معنوی است که نشانگر برتری حاکمان نزد خداوند است.

یکی از آن افرادی که از همهٔ اهل بهشت، حتی از انبیا و اولیا، برتر است و بر همه حکومت می‌کند، حضرت زهرا علیها السلام است. بنابراین نمی‌توان گفت فردی که به

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۷۷/۸؛ مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۲۰۷/۲ و

۲۶۶؛ ابن‌شاذان، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ص ۷۵.

۲. انسان: ۲۰.

مقام اصطفاء نرسیده، از انبیای الهی که به درجه اصطفاء رسیده‌اند، برتر و بالاتر است. با این توصیف، باید حضرت زهرا علیها السلام به برترین درجه اصطفاء رسیده باشد. گفتنی است آلوسی به این نکته اشاره کرده که به سبب قدر و منزلت حضرت صدیقه علیها السلام، در میان نعمت‌های بهشتی، هیچ نامی از زنان بهشتی برده نشده تا حرمت حضرت زهرا علیها السلام محفوظ بماند.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۳- مقام فوق‌ابرازی حضرت زهرا علیها السلام

در بخشی از آیات سوره انسان، به مقام فوق‌ابرازی حضرات اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌شود؛ آن جا که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾<sup>۲</sup>

این آیات نشان می‌دهد چشمه‌ای که ابرار از آن می‌نوشند، در اختیار گروهی از مقربان است و آنان به هر سو که بخواهند، می‌کشانند.<sup>۳</sup> این آیات، قیومیت اهل بیت علیهم السلام بر ابرار و واسطه بودن آنان برای فیض الهی را نشان می‌دهند؛ ابرار از ظرفی می‌نوشند که از چشمه‌ای برگرفته شده، ولی آن چشمه، در اختیار عبادالله است.<sup>۴</sup> این قیومیت مقربان بر ابرار، از جای دیگری نیز به دست می‌آید؛ آن جا که می‌فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّن \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ \* كِتَابٌ مَرْقُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمَقْرَبُونَ﴾<sup>۵</sup>

در این آیات سخن از کتاب ابرار و نامه اعمال آنان است. آیات یادشده، جایگاه این کتاب را در علیون مقرر ساخته و مقربان را شاهد بر علیون و کتاب ابرار معرفی

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی، ۱۷۴/۱۵.

۲. انسان: ۵ - ۶.

۳. صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۲۶۱؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۱۶۳/۱.

۴. سند، محمد، تفسیر ملاحم المحکمات، ص ۲۳۷ - ۲۳۸.

۵. مطففین: ۱۸ - ۲۱.

می‌کند. مطابق این آیه، ابرار، مؤمنان و صالحان هستند و مقربان، شاهد بر اعمال مؤمنان و صالحان‌اند. با توجه به آیات سوره انسان به دست می‌آید که این مقربان، همان اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛ زیرا این آیات، عبادالله را کسانی معرفی می‌کنند که قیومیت برابر دارند و واسطه فیض برای ابرار هستند.<sup>۱</sup> گفتنی است که روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز، بر این مضمون دلالت دارند.<sup>۲</sup>

## ۲-۵- آیه اصطفاء حضرت مریم علیها‌السلام

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

این آیه، رتبه اصطفاء حضرت مریم علیها‌السلام را به خوبی آشکار می‌کند. در این آیه، لفظ اصطفاء دو مرتبه آمده، در حالی که اصطفاء، یک بار بیش نیست. با توجه به معنایی که راغب اصفهانی از اصطفاء گفته، به نظر می‌رسد که در اصطفاء اول، خدای متعال برگزیدگی او را بیان کرده و در ادامه، طهارت از همه رجس و پلیدی‌ها و خلقت پاکیزه او را خاطر نشان می‌کند و در اصطفاء دوم، برگزیدگی و برتری او بر همه زنان را معرفی می‌کند.

آشکار است که برتری حضرت مریم علیها‌السلام بر سایر زنان، با توجه به آیات بعد از این آیه، به وضعیت ویژه و ممتاز او اشاره دارد؛<sup>۴</sup> زیرا حضرت مریم علیها‌السلام، بدون شوهر، فرزندی را به بار آورده که پیش از او سابقه نداشته است. این وضعیت، سبب امتیاز و برتری او است؛ زیرا خداوند، او را برای این امتحان از میان همه زنان برگزید و او نیز از این امتحان، سربلند بیرون آمد.<sup>۵</sup> پس نمی‌توان با استناد به این بخش از آیه، سیادت و برتری او بر همه زنان، و در همه جهات حتی قرب معنوی را اثبات کرد؛

۱. سند، محمد، همان، ص ۲۳۹.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۴۱۱/۲.

۳. آل عمران: ۴۲.

۴. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ۹۴/۳.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۸۹/۳؛ سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن،

گرچه به کمک روایات، سیادت وی بر زنان عصر خویش قابل اثبات است.<sup>۱</sup> با این توضیح، فراز آغازین این آیه، دلالت بر اصطفاء گسترده و جهانی حضرت مریم عَلَيْهَا ندارد، بلکه بر برگزیدگی ایشان دلالت دارد.<sup>۲</sup>

با کمک روایات، این آیه، با حضرت زهرا عَلَيْهَا ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا در روایات آمده که ملائکه نزد حضرت زهرا عَلَيْهَا در رفت و آمد بوده و او را با جملات این آیه، خطاب می‌کردند. این روایات، حاکی از مقام اصطفاء حضرت زهرا عَلَيْهَا است. برخی از این روایات بدین قرارند:

روایت یکم: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که ایشان فرمودند: «هر زنی که نماز روزانه خود را بخواند، روزه ماه رمضان بگیرد، حج خانه خدا انجام دهد، زکات مالش را پرداخت کند، از شوهرش فرمان پذیر باشد و علی را پس از من به ولایت پذیرفته باشد، به شفاعت دخترم فاطمه عَلَيْهَا وارد بهشت می‌شود و به یقین که او، سیده زنان عالمیان است». به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض شد: آیا فاطمه عَلَيْهَا سیده زنان عصر خویش بوده است؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

ذَٰكَ لِمَزَيْمَ بِنْتِ عُمَرَٰنَ فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ  
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مَحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ  
أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَيُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ  
مَزَيْمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ.<sup>۳</sup>

روایت دوم: از امام صادق عَلَيْهِ نقل شده که ایشان فرمودند: «فاطمه عَلَيْهَا را محدثه نامیدند؛ زیرا ملائکه نزد او می‌آمدند و او را مانند حضرت مریم عَلَيْهَا خطاب می‌کردند:

يَا فَاطِمَةُ، ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾؛ يَا  
فَاطِمَةُ، ﴿اِقْتَبِي لِرَبِّكِ﴾.

۱. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ۱/۱۸۲.

۲. طباطبایی، محمد حسین، همان، ۳/۱۸۹.

۳. صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۴۸۶.



روزی فاطمه علیها السلام از ملائکه پرسید که آیا مریم علیها السلام، سیده زنان عالمیان نبوده است؟ ملائکه در پاسخ عرض کردند:

إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ عَالَمِكَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ<sup>۱</sup>.

این روایات خود دارای مضامین والایی است؛ ولی به لحاظ اختصار، از سایر نکات صرف نظر، و به همین مقدار، بسنده می شود که فرشتگان از سوی خدای متعال، حضرت زهرا علیها السلام را مخاطب آیه اصطفاء گردانده اند و با توجه به این آیه، ایشان مانند حضرت مریم علیها السلام دارای دو مرتبه اصطفاء است: یکی اصل اصطفاء ایشان و دیگری برتری ایشان بر سایر زنان، به خاطر یک ویژگی خاص. این ویژگی، بنا به فرمایش امام کاظم علیه السلام می تواند مادری دو سید جوانان اهل بهشت باشد که هیچ زن دیگری، چنین خصوصیتی را نداشته و ندارد.<sup>۲</sup>

## ۲-۶- آیه وراثت کتاب

بر اساس آیه ۳۲ سوره فاطر<sup>۳</sup> خداوند، از به ارث رسیدن کتاب به افرادی، خبر داده است. لازم است در ابتدا مشخص شود که کتاب، کدام کتاب بوده و مقصود چه چیزی از کتاب است؛ سپس به آن افراد پرداخته شود و معلوم گردد که آن افراد برگزیده، چه کسانی هستند.

به قرینه آیه قبل که سخن از وحی کتاب به رسول خدا است، کتاب در این آیه، جز قرآن نمی تواند باشد.<sup>۴</sup> از سوی دیگر، لفظ کتاب در قرآن، تنها بر قرآن حمل می شود.<sup>۵</sup> هم چنین مقصود از ارث کتاب، ارث الفاظ آن نیست؛ چراکه در آیه

۱. همو، علل الشرائع، ۱/۱۸۲؛ طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، ص ۸۱.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۰۵.

۳. «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ».

۴. طباطبایی، محمد حسین، همان، ۱۷/۴۵؛ طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ۱۱/۲۹.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۸/۶۳۸؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۲۶/۲۳۹.

قبل، سخن از وحی شدن قرآن بود و آن چه وحی می شود، از جنس علم است. به همین سبب آن چه که از کتاب به ارث می رسد، همان چیزی است که به رسول خدا ﷺ وحی شده است. قرینه دیگر و حیانی بودن این میراث، وجود واژه اصطفاء است. مقام اصطفاء در ادبیات قرآنی، تنها برای انبیا و رسولان کاربرد داشته است. بنابراین پذیرفتنی است که برای پذیرش سیاهه قرآن، نیازی به مقام رفیع اصطفاء نبوده و چنین مقامی، برای دریافت معالم و حیانی لازم است. براین اساس، مقصود از ارث کتاب، انتقال علم قرآن به افراد خاص است.<sup>۱</sup> بدیهی است که در امت رسول خدا، افراد بسیاری مدعی علم قرآن بوده اند، ولی تنها برخی از افراد از پس این ادعا برآمده اند.<sup>۲</sup>

با دقت در آیه یاد شده می توان دریافت که افراد متحمل این علم، و وارثان علم الکتاب، همه عباد الله نیستند. خداوند متعال، عباد خود را در این آیه به سه دسته تقسیم کرده است: برخی به خود ستمکار بوده و برخی میانه رو و دسته سوم، سابق به خیرات هستند. شبیه این سه گروه، در سوره واقعه بیان شده است.<sup>۳</sup> براین اساس، افرادی که ستمکار یا میانه رو هستند، نمی توانند مصداق افراد برگزیده باشند؛ تنها سابق به خیرات که در سوره واقعه به سابقون و مقربون معرفی شده اند، مصداق افراد برگزیده اند. با این توضیح، ضمیر «منهم» در آیه، به «عبادنا» بازگشته و «من» در «من عبادنا»، تبعیضیه خواهد بود.<sup>۴</sup> از سوی دیگر، به قرینه استیلا و اشراف مقربون بر اعمال ابرار در آیات سوره مطفین و برتری مقربون بر اصحاب الیمین در سوره واقعه، می توان گفت که مقربان، معصوم هستند. مطابق آیه تطهیر نیز، تنها اهل

۱. سند، محمد، الامامة الالهية، ۹۴/۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱۶۹/۱: «قُلْتُ لَهُمْ: مَنْ قِيمُ الْقُرْآنِ؟ فَقَالُوا: ابْنُ مَشْعُودٍ قَدْ كَانَ يَعْلَمُ وَعُمَرُ يَعْلَمُ وَحُدَيْفَةُ يَعْلَمُ. قُلْتُ: كَلِّهِ؟ قَالُوا: لَا، فَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا يَقَالُ إِنَّهُ يَعْرِفُ ذَلِكَ كَلِّهِ إِلَّا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِذَا كَانَ الشَّيْءُ بَيْنَ الْقَوْمِ فَقَالَ هَذَا لَا أَذْرِي وَهَذَا لَا أَذْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أَذْرِي وَقَالَ هَذَا أَنَا أَذْرِي فَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا».

۳. واقعه: ۷- ۱۱: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً \* فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ \* وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ \* وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ».

۴. علم الهدی، سید مرتضی، امالی، ۳۶۲/۳.

البیت، معصومان بعد از رسول خدا هستند. با این وصف و براساس آیه یادشده، حضرت زهرا علیها السلام از مصادیق سابق بالخیرات و برگزیده و مصطفای الهی و دارای علم و حیانی قرآن است.

### ۳- اصطفاء الهی حضرت زهرا علیها السلام در روایات

در روایات نیز ریشه‌های اصطفاء و برگزیدگی حضرت زهرا علیها السلام، به وفور یافت می‌شود؛ ولی جهت رعایت اختصار، به مهم‌ترین احادیث اشاره می‌شود.

احادیثی که به مقام اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارند را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخشی از روایات که مربوط به همه اهل بیت علیهم السلام است و برتری و اصطفاء همه آنان را نشان می‌دهد و بخشی دیگر، روایاتی که به اصطفاء خود حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.

#### ۳-۱- احادیث دال بر اصطفاء همه اهل بیت علیهم السلام

##### ۳-۱-۱- حدیث ثقلین

صدور حدیث ثقلین، بین شیعه و اهل سنت متفق و متواتر است و در مباحث مختلف کلامی، فقهی و... قابل استفاده است. گرچه در متن حدیث اختلاف است، ولی در بخشی از آن، تواتر لفظی ثابت است که به آن اشاره می‌شود:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَصْحَابَهُ بِمَنْى فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ... ۱.

۱. برخی از منابع حدیث ثقلین در منابع شیعه: هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۶۴۷/۲؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۱۷۳/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۹۴/۱ و ۴۲۳/۳؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۵/۱؛ طبری آمدلی، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی الامامة، ص ۵۵۹؛ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۵۷/۱؛ همو، کمال الدین، ۶۴/۱ و ۲۳۴ - ۲۳۵؛ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ۳۳/۱. برخی از منابع حدیث ثقلین در منابع اهل تسنن: ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱۴/۳ و ۱۷ و ۲۶؛ دارمی، عبدالله، مسند، ۴۳۲/۲؛

روشن است که حضرت زهرا علیها السلام از جمله عترت و اهل البیت است. بالحاظ این نکته می توان گفت که این حدیث، در سه فراز بر اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد:

بخش نخست، «انی تارک» است؛ با این توضیح که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف همه پیامبران علیهم السلام و بالاترین مصطفای خداوند است، در پایان عمر خویش، دوشیء گران بها باقی می گذارد. این دوشیء، به یقین از امور مادی نیستند؛ زیرا سنت پیامبران علیهم السلام بر ابقای زیورهای دنیایی نبوده است.<sup>۱</sup> پس باید در راستای امور معنوی و قرب الی الله باشد و چون باقیمانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اشرف انبیا است، باید باقیمانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از ماترک همه انبیا برتر باشد و این برتری، چیزی جز برگزیدگی نیست؛ زیرا برخی از باقیمانندگان انبیا علیهم السلام، نبی، رسول و برگزیده بوده اند؛ پس لاجرم باید ماترک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز از رتبه انبیا و رسل، کمتر نباشند. بنابراین باید به مقام اصطفاء رسیده باشند.

بخش دوم، «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا» است؛ این فراز بیان می دارد که با تمسک به این دو، هرگز گمراه نخواهید شد. «لن»، واژه نفی ابد است و تا همیشه، این گمراهی را از متمسکین به عترت نفی می کند. عدم گمراهی متمسکین به عترت، حاکی از عصمت عترت است و عصمت، لازمه اصطفاء است؛ چراکه ممکن نیست کسی معصوم باشد، ولی به مقام اصطفاء نرسیده باشد.

بخش سوم، «فَإِنَّهُمَا لَنْ يُفْتَرِقَا» است؛ عدم افتراق قرآن از عترت، مادی نیست؛ بلکه به معنای عدم افتراق معنوی است. به عبارت دیگر، قرآن، زمانی قرآن است

نسائی، احمد بن شعیب، فضائل الصحابة، ص ۱۵ و ۲۲؛ همو، السنن الکبری، ۴۵/۵ و ۵۱ و ۱۰۳؛ نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ۱۰۹/۳ و ۱۴۸؛ بیهقی، احمد، السنن الکبری، ۳۰/۷ و ۱۱۴/۱۰؛ هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ۶۳/۹؛ ابن ابی شیبہ، عبدالله، المصنف، ۱۷۶/۷؛ ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح، ۳۲۹/۵؛ طبرانی، سلیمان، معجم الاوسط، ۳۷۴/۳ و ۳۳/۴؛ همو، معجم الصغیر، ۱۳۱/۱ و ۱۳۵؛ همو، معجم الکبیر، ۶۶/۳ و ۱۵۴/۵ و ۱۶۶ و ۱۷۰ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۶؛ ابویعلی، احمد بن علی، مسند، ۳۰۳/۲؛ ابن حبان، محمد، صحیح، ۳۰/۱.

۱. صفار، محمد بن حسن، همان، ص ۱۰؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۲/۱: «... ذَاكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دَرَاهِمًا وَلَا دِينَارًا...».

که در کنار عترت باشد و عترت، زمانی عترت است که در کنار قرآن باشد. با این توضیح، عترت عدل قرآن و قرآن عدل عترت است و ممکن نیست که دو چیز، عدل همدیگر باشند، ولی در اوصاف با هم متغایر باشند. از جمله اوصاف قرآن، هادی، حکیم، کریم، عدم اتیان باطل، تبیان کل شیء و عزیز است و باید عترت نیز این‌گونه باشد. جمع شدن همه این اوصاف در یک فرد، حاکی از برگزیدگی اوست.

### ۳-۱-۲- حدیث سفینه

از جمله احادیثی که شیعه و اهل سنت بر صدور آن از رسول خدا ﷺ اتفاق نظر دارند، حدیث سفینه است. حدیث سفینه به قرار ذیل می باشد:

إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ!<sup>۱</sup>

فراز «مَنْ رَكِبَهَا نَجَا»، دلالت بر جایگاه هدایت، زعامت و پیشوایی اهل بیت ﷺ دارد؛ زیرا گویای این نکته است که هرکس، رکوب به سفینه داشته باشد، نجات یافته است و نجات، چیزی جز هدایت نیست و رکوب در این جا، جز تبعیت و پیروی از اهل بیت ﷺ، معنای دیگری نخواهد داشت. بنابراین لازمه هدایتگری اهل بیت ﷺ، عصمت آنان است. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، عصمت، قرین با اصطفاء است. علاوه بر این، فراز «مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ»، انحصار هدایتگری را بیان می‌دارد؛ زیرا اگر کس دیگر و گروه دیگری باشد که توان هدایت جامعه را داشته باشد، تخلف از

۱. منابع حدیث سفینه در کتب شیعه: هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۵۶۰/۲ و ۷۳۴ و ۸۳۱؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۲۹۷؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۱۹۰؛ طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، المستدرشد فی الامامة، ص ۲۶۰ و ۵۷۸؛ ابن عقده، احمد بن محمد، فضائل امیر المؤمنین، ص ۴۴؛ خزاز، علی بن محمد، کفایة الاثر، ص ۳۴؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۴۴؛ مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ۲۸/۱؛ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۲۶۹؛ همو، عیون اخبار الرضا ﷺ، ۲۷/۲. منابع حدیث سفینه در کتب اهل سنت: نیشابوری، حاکم، همان، ۳۴۳/۲ و ۱۵۱/۳؛ ابن ابی شیبیه، عبدالله، همان، ۵۰۳/۷؛ هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ۱۶۸/۹؛ طبرانی، سلیمان، معجم الاوسط، ۱۰/۴ و ۳۵۵/۵ و ۸۵/۶؛ همو، معجم الصغیر، ۱۳۹/۱ و ۲۲/۲؛ همو، معجم الکبیر، ۴۵/۳ و ۴۶ و ۲۷/۱۲؛ ابن حیان، عبدالله، الامثال، ۲۲۵/۲.

اهل بیت علیهم السلام، نباید موجب هلاکت شود. این جمله که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده، متخلف از اهل بیت هلاک می شود بدین معنا است که هیچ گروهی و هیچ فردی جز اهل بیت، توان هدایت جامعه را ندارد و این همان انحصار در هدایتگری است.

### ۳-۲- احادیث دال بر اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام

#### ۳-۲-۱- حدیث محوریت رضا و غضب خدا

در کتب شیعه و اهل تسنن، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده اند: «ان الله یغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها». این حدیث، مفاهیم مهمی در بر دارد، ولی آن چه به بحث ما مربوط است، بدین قرار می باشد:

در این حدیث اگر رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام، در پی رضایت و غضب خداوند معرفی می شد، نتیجه ای جز عصمت حضرت زهرا علیها السلام نداشت؛ ولی مفهوم این حدیث، بالاتر از این مطلب است. این حدیث، رضایت و غضب خداوند را در پی رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام معرفی می کند و این سیاق، بالاتر از درجه عصمت را نتیجه می دهد. بالاتر از درجه عصمت برای ایشان، با نفی هرگونه ترک اولی از ایشان متصور است؛ در حالی که ترک اولی، منفی از بسیاری از انبیا نیست. معنای دیگر مقام مافوق عصمت برای حضرت زهرا علیها السلام، ظرف بودن ایشان برای تحقق اراده رضا و غضب خدای سبحان است. این سخن نیز در مورد سایر معصومان جز اهل بیت علیهم السلام، ثابت نیست. اگر این حدیث، عصمت ایشان را اثبات می کرد، به یقین اصطفائش را نیز به دنبال داشت؛ زیرا عصمت، قرین با

۱. منابع شیعه: صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۳۸۴؛ همو، عیون اخبار الرضا علیها السلام، ۴۶/۲؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۴۲۷؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۱/۱۴۹ و ۲/۴۳۵؛ طبری، محمد بن علی، بشارة المصطفی، ۲/۲۰۸. منابع اهل سنت: نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۵۴؛ هیثمی، علی، همان، ۹/۲۰۳؛ طبرانی، سلیمان، معجم الکبیر، ۱/۱۰۸ و ۲۲/۴۰۱؛ زرنندی، محمد، نظم در السمطین، ص ۱۷۷ - ۱۷۸؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ۱۳/۶۷۴؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، ۳/۱۵۶؛ ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغایة، ۵/۵۲۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابة، ۸/۶۶؛ سیوطی، عبدالرحمن، الخصائص الکبری، ۲/۲۰۲ و ۲۶۵؛ ابن حجر هیثمی، احمد، الصواعق المحرقة، ص ۱۷۵؛ قندوزی، سلیمان، ینابیع المودة، ۲/۶ و ۷۲؛ ابن مغزالی، علی، مناقب، ص ۲۷۶.

اصطفاء است. این در حالی است که حدیث مذکور، رتبه‌ای برتر و بالاتراز عصمت را اثبات می‌کند. در نتیجه، یکی از برداشت‌های مهم از این حدیث، مقام اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام است.

### ۳-۲-۲- حدیث بضیعت حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

در روایات شیعه و اهل تسنن آمده که رسول خدا فرموده‌اند: «فاطمة بضعة مني...»<sup>۱-۲</sup>

۱. منابع شیعه: هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۸۶۹/۲؛ خزاز، علی بن محمد، کفایة الاثر، ص ۳۷ و ۶۴ و ۶۵؛ مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ۲/۲۱۴ و ۲۱۵؛ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۱۰۴ و ۱۱۴ و ۴۸۷؛ مفید، محمد بن محمد، امالی، ص ۲۶۰؛ حلبی، تقی، تقریب المعارف، ص ۳۳۷؛ طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، ص ۱۳۵؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۴؛ قتال نیشابوری، محمد بن احمد، همان، ۵۰/۱؛ طبری، محمد بن علی، همان، ۷۰/۲ و ۱۷۸ و ۱۹۸. منابع اهل سنت: بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ۲۱۰/۴ و ۲۱۲ و ۲۱۹؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، ۱۴۱/۷؛ ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح، ۳۶۰/۵؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۵/۴ و ۳۲۶؛ نسائی، احمد بن شعیب، فضائل الصحابة، ص ۷۸؛ همو، السنن الكبرى، ۹۷/۵؛ نیشابوری، حاکم، همان، ۱۵۸/۳ و ۱۵۹؛ بیهقی، احمد، السنن الكبرى، ۲۰۱/۱۰؛ هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ۲۵۵/۴ و ۲۰۳/۹.

۲. برخی بر این باورند که شأن صدور این حدیث، ازدواج امیرمؤمنان علیه السلام با دختر ابوجهل بوده و سبب نزول آن، غضب و خشم حضرت زهرا علیها السلام بر امیرمؤمنان علیه السلام بوده است (بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ۲۲/۵ و ۱۵۸/۶ و ۱۴۱/۷). با این وصف نقصی بر امیرمؤمنان علیه السلام وارد خواهد بود. در پاسخ گفتنی است که این نقل، اضافه بر این که برخی از دانشمندان اهل سنت آن را نپذیرفته‌اند (ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، ۶۵/۴)، تعارضاتی با سایر نقل‌ها دارد؛ از یک سو روایت بر ازدواج الهی حضرت زهرا و امیرمؤمنان علیه السلام وجود دارد (ابن صباح، علی، الفصول المهمة، ۱۴۹/۱؛ زرنندی، محمد، همان، ص ۱۶۸؛ ابن عساکر، علی، همان، ۴۴۵/۵۲؛ قندوزی، سلیمان، همان، ۶۲/۲)؛ چگونه خدای والا فردی را برای حضرت زهرا علیها السلام برگزیده که مایه خشم و غضب او خواهد شد؟! از سوی دیگر خود رسول خدا با دختر ابوسفیان ازدواج کرد؛ پس صرف ازدواج امیرمؤمنان با فرد دیگری در کنار حضرت زهرا علیها السلام نباید مایه چنین خشمی از حضرت زهرا علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شود. از دیگر سو حضرت زهرا علیها السلام مصداق آیه تطهیر بوده و نباید بر اساس غیرت زنانگی که امری ناپسند دانسته شده (زمخشری، محمود، ربیع الابرار، ۳۴۵/۱؛ ابن ابی الحدید، عبد الحمید، همان، ۳۱۲/۱۸؛ باعونی، محمد، جواهر المطالب، ۱۶۰/۲) خشمگین شود. بر این اساس نمی‌توان منشأ صدور حدیث یادشده را این داستان

بر اساس این حدیث، حضرت زهرا علیها السلام پاره‌ای از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام را جزئی از خودش به شمار آورده است، نه جزئی از بدنش که رشد و نمو آن، به رشد و نمو جسمی رسول خدا باشد.<sup>۱</sup> بنابراین سزاوار نیست که پاره‌تن معنا شود.<sup>۲</sup> حال که فاطمه، پاره‌ای از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است، تمام اوصاف رسول خدا صلی الله علیه و آله جز اوصاف مربوط به نبوت و رسالت، شامل حضرت زهرا علیها السلام نیز می‌شود؛ زیرا طبق این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله کل است و اوصاف کل، شامل جزء نیز می‌شود و در غیر این صورت، تناقض پیش می‌آید؛ چراکه لازمهٔ تخالف جزء از کل، این است که در عین جزء از کل بودن، با اوصاف او تخالف داشته باشد. از جمله اوصاف رسول خدا صلی الله علیه و آله، اصطفاء است؛ آن هم اصطفاء ویژه و خاص که اثبات آن، نگارشی ویژه می‌طلبد. هم چنین، افضلیتی که برای رسول خدا ثابت است، برای حضرت زهرا علیها السلام نیز ثابت شدنی است.<sup>۳</sup> پس این اصطفاء، شامل حضرت زهرا علیها السلام نیز می‌گردد و ایشان به حکم کل و جزء، فرد برگزیده و مصطفای الهی خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

بر اساس مفاد و مفاهیم آیات و روایات مشترک بین شیعه و اهل سنت، حضرت زهرا علیها السلام دارای مقام اصطفاء است و این اصطفاء، اموری از جمله علم، عصمت، هدایت، اقریبیت الی الله، حجیت و افضلیت بر مردم را در پی دارد. بنابراین، پذیرش اصطفاء حضرت زهرا علیها السلام و لوازم آن، بر اهل تسنن که مفاهیم آیات را پذیرفته و روایات یاد شده را نقل کرده‌اند، ضروری، و انکار این مقام، علیه آنان تمام می‌شود. از جمله لوازم اصطفاء الهی حضرت زهرا علیها السلام، اطاعت و عدم سرپیچی از ایشان، همانند اطاعت و عدم سرپیچی از انبیا صلی الله علیه و آله است؛ علاوه بر این که لزوم محبت و اقرار به حجیت و هدایتگری ایشان نیز ضروری خواهد بود.

ساختگی دانست؛ علاوه بر این که راویان روایت یاد شده، نزد رجال شناسان اهل سنت تضعیف شده‌اند (میلانی، علی، الامامة، ص ۶۷).

۱. آمدی، سیف‌الدین، ابکار الافکار، ۵/ ۲۴۸.

۲. سرخسی، محمد، المبسوط، ۴/ ۲۰۷.

۳. میلانی، علی، همان، ص ۶۷.



قرآن کریم

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والاثر، تحقيق طاهر احمد زاوي و محمود محمد طنحاحي، چاپ چهارم: اسماعيليان، قم، ۱۳۶۴ ش.  
ابن اثیر شيباني، محمد بن محمد، اسد الغابة، دار كتب العربي، بيروت.

ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، الاصابة في تمييز الصحابة، تحقيق شيخ عادل احمد عبد الموجود و شيخ علي محمد معوض، چاپ يكم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ ق.  
ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، تحقيق و تعليق شعيب ارنؤوط و عادل مرشد، چاپ يكم: مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۶ ق.

ابن شعبه حزناني، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول، تصحيح علي اكبر غفاري، چاپ دوم: مؤسسه انتشارات اسلامي، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن عساکر، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۵ ق.

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم: دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ ق.

ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث، السنن، تحقيق سعيد محمد لحام، چاپ يكم: دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۰ ق.

ألوسی، سيد محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق علي عبد الباري عطية، چاپ يكم: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ ق.

بخاري، محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح، دار الفكر، استانبول، ۱۴۰۱ ق.

بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، دار الفكر، بيروت.

ترمذی، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح، تحقيق عبد الوهاب عبد اللطيف، چاپ دوم: دار الفكر، بيروت، ۱۴۰۳ ق.

-----، الجامع الصحيح، به كوشش محمود فؤاد عبد الباقي، دار الكتب الاسلامية، بيروت.

جوادی آملی، عبدالله، تسنيم، چاپ يكم: مركز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۷ ش.

حاکم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحين، تحقيق يوسف عبد الرحمن مرعشلي، دار المعرفة، بيروت.

حسکاني، ابوالقاسم عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمد باقر محمودی، چاپ يكم: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، تهران، ۱۴۱۱ ق.

خزاز رازی، علي بن محمد، كفاية الاثرفي النص على الائمة الاثني عشرية، تحقيق

- عبداللطیف حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ یکم: دار الشامیه، دار العلم، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ ق.
- زرنندی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطین، چاپ یکم: مکتبه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
- سند بحرانی، محمد، مقامات فاطمة الزهراء علیها السلام فی الكتاب والسنة، تقریر سید محمدعلی الحلو و سید محمد صالح موسوی تبریزی، چاپ یکم: الامیره، بیروت، ۱۴۳۳ ق.
- ملاحم المحکّمات، تقریر سید محمدعلی الحلو و سید محمد صالح موسوی تبریزی، چاپ یکم: الامیره، بیروت، ۱۴۳۳ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ترجمه آیت الله کمره‌ای، چاپ چهارم: کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- علل الشرائع، مکتبه الداوری، قم.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم: دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح میرزا محسن کوچه باغی تبریزی، چاپ دوم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- المعجم الکبیر، تحقیق حمّدی عبدالمجید سلفی، چاپ دوم: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق (افست از چاپ مؤسسه الجواد، بیروت، ۱۴۰۱ ق).
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق احمد محمودی، چاپ یکم: کوشانپور، قم، ۱۴۱۵ ق.
- دلایل الإمامة، دار الذخائر، قم.
- طبری، محمد بن علی، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم لشیعة المرتضی علیه السلام، چاپ دوم: المکتبه

الحيدرية، نجف، ١٣٨٣ ق.

طوسی، محمد بن حسن، الأمالي، چاپ یکم: دار الثقافة، قم، ١٤١٤ ق.

عباشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمی، تهران، ١٣٨٠ ق.

فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، تحقیق محمد مهدی سید حسن خراسان، انتشارات رضی، قم.

فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، چاپ یکم: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ١٤١٠ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم: هجرت، قم.

فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، الصافی، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم: صدر، تهران، ١٤١٥ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، چاپ چهارم: دار الكتاب، قم، ١٣٦٧ ش.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، نیایع المودّة لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، چاپ یکم: اسوه، تهران، ١٤١٦ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم: دار الکتب الاسلامیة، تهران، ١٣٦٥ ش.

متقی هندی، علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق و تصحیح صفوة سقا - بکری حیانی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ١٤٠٩ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم: مؤسسة الوفاء، بیروت، ١٤٠٤ ق.

مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ یکم: کنگره شیخ مفید، قم، ١٤١٣ ق.

-----، الأمالي، تحقیق حسین ولی و علی اکبر غفاری، چاپ یکم: کنگره شیخ مفید، قم، ١٤١٣ ق.

-----، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، چاپ یکم: کنگره شیخ مفید، قم، ١٤١٣ ق.

نسائی، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقیق عبد الغفار سليمان بنداري، چاپ یکم: دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤١٤ ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، دار الفکر، بیروت.

هاللی کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، چاپ یکم: الهادي، قم، ١٤١٥ ق.

هیثمی، نورالدین ابوبکر، مجمع الزوائد، دار الکتب، بیروت، ١٤٠٨ ق.

## تبيين مقام اصطفاء السيِّدة الزهراء عليها السلام من خلال الآيات والروايات

السيد علي أحمددي فروشاني<sup>١</sup>

٢١٧

الخلاصة

### الخلاصة:

لقد نال أهل بيت النبي عليه السلام مقام "الاصطفاء" من قبل الله تعالى، بناء على ما ورد في الآيات وروايات أهل البيت عليهم السلام والروايات المشتركة بين الشيعة والسنة، وقد كان هذا التعريف من قبل الله تعالى تارة في القرآن، نحو آية المباهلة، وآية التطهير، وآية اصطفاء السيدة مريم، وآية وراثة الكتاب، والسور القرآنية من قبيل: سورة الكوثر، وسورة الإنسان. وتارة أخرى على لسان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في مضمون أحاديث نحو: حديث الثقلين، وحديث السفينة، وحديث رضا الزهراء عليها السلام وغضبها، وحديث "بضعة مني".

إن هذه الآيات والروايات جميعها تنص وتدلل على كون أهل البيت عليهم السلام ومنهم السيِّدة الزهراء عليها السلام مصطفين من قبل الله تعالى، وقد بلغوا رتبة الاصطفاء.

ولهذا الموضوع أهميّة خاصة في بيان منزلة السيِّدة فاطمة الزهراء عليها السلام في عالم الوجود، واصطفائها من قبل الله تعالى في قبال نساء النبي صلى الله عليه وآله وسلم وسائر نساء عصرها.

المفردات الأساسية: السيِّدة الزهراء عليها السلام، الاصطفاء، العلم، العصمة، الحجية، الأفضلية.

١. طالب مرحلة الدكتوراه في الحوزة العلمية بقم المقدسة، مدير اللجنة العلمية في المركز

التخصصي للتبليغ: saahmadi110@yahoo.om

# Explaining the status of Istifa<sup>1</sup> for Fatima based on Quranic verses and narratives

Seyyid Ali Ahmadi Forooshani<sup>2</sup>

## Abstract

Based on revelations in quranic verses and narrations from Imams and Ahl-Ul Beit<sup>3</sup> and shared hadiths between Shias and Sunnis, Almighty Allah has bequeathed the status of Istifa to prophet's offspring and members of his prophet. Numerous verses in the holy book of Quran have been revealed to the prophet of Islam testifying this appointment. Some examples are Mobahele verse, Tathir verse, Istifa of Holy Mary verse, the inheritor of the book verse, and two Surats al-Kowsar and Al-Insan. Oftentimes, the holy prophet of Islam attempted to clarify this appointment in his quotes such as Thaghalein hadith, Safine hadith, the wrath and pleasure of Fatima Hadith and Bezaton Menni hadith. A thorough look at the verses and hadiths clearly unveils the fact that members of the prophet's house including fatima (his one and only child) are all granted the status of being chosen by Almighty Allah. This issue assumes particular significance when one considers the lofty status of Fatima in the universe and her appointment by Almighty Allah and when one compares this status with her contemporaries and wives of the prophet.

**Key words:** Fatima, Istifa, science, Infallibility, proof, superiority.

- 
1. The state of being chosen by Almighty Allah
  2. Level four graduate of Howze Islamic school in Qom, head of Tabligh special department. Email: saahmadi110@yahoo.com
  3. Members of the prpphet's house